

اسم الله الرحمن الرحيم



نام کتاب: متن بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای مد ظله العالی
در آغاز چهارمین کنفرانس بین المللی حمایت از فلسطین مظهر مقاومت، غزه قربانی جنایت
نوبت چاپ: دوم

چاپ و انتشار: معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۸۸

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد



متن بیانات مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای
در آغاز چهارمین کنفرانس بین المللی
حمایت از فلسطین بظرف مقاومت، غزه قربانی جنایت
تهران - ۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۷





به شما می‌همانان گرامی، علماء و متفکران و سیاستمداران و مجاهدان که در چهارمین گردهمایی برای دفاع از فلسطین به جمهوری اسلامی ایران آمده‌اید خوشامدمی گویم.

در فاصله‌ی این اجلاس با اجلاس قبلی که در روزهای ۱۵ تا ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۴۲۷ هجری قمری در تهران تشکیل شد حوادث مهم و تعیین‌کننده‌ی اتفاق افتاده است که افق آینده را در قضیه‌ی فلسطین روشنتر و وظائف ما را در باره‌ی این مسأله‌ی همچنان اصلی دنیای اسلام آشکارتر می‌سازد.

از جمله‌ی این حوادث مهم، شکست شگفت‌آور نظامی و سیاسی اسرائیل در برابر مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان در سال ۱۴۲۷ هجری قمری و ناکامی خفت‌آور رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه‌ی جنایتکارانه‌اش با مردم و دولت قانونی فلسطین در غزه است.

اکنون رژیم غاصب که چند دهه با ارتش و تسلیحات خود و با پشتیبانی نظامی و سیاسی امریکا، چهره‌ی مهیب و شکست‌ناپذیر نشان می‌داد، دوبار از نیروهای مقاومت که با اتکاء به خدا و مردم، بیش از اتکاء به سلاح و

تجهیزات می‌جنگیدند، شکست خورده و با وجود تمرین‌ها و آماده‌سازی‌های نظامی و سازمان‌های عریض و طویل اطلاعاتی و حمایت بیدریغ امریکا و بعضی دولتهای غربی و همدستی برخی منافقان جهان اسلام، انحلال، و شیب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی را ظاهر ساخته است.

از سوئی دیگر جنایاتی که در حادثه تاریخی غزه از مجرمان صهیونیست سر زد؛ کشتار وسیع مردم غیر نظامی، ویران کردن خانه‌های بیدفاع، سوراخ کردن سینه‌ی کودکان شیرخوار، بمباران دبستان و مسجد، به‌کارگیری بمبهای فسفری و برخی سلاحهای ممنوع دیگر، بستن راه غذا و دارو و سوخت و دیگر نیازهای اولیه‌ی مردم در مدتی نزدیک به دو سال، و بسی جنایات دیگر، ثابت کرد که غریزه‌ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیست، با دهه‌های آغازین فاجعه‌ی فلسطین هیچ تفاوتی نیافته و همان سیاست و همان خوی درندگی و بی‌رحمی که فاجعه‌های دیر یاسین و صبرا و شتیلا را پدید آورد، امروز هم بعینه بر ذهن و دل ظلمانی این طاغوت‌های زمان حاکم است که البته امروز با بهره‌گیری از پیشرفت فناوری، دایره‌ی جنایت بسی گسترده‌تر و فاجعه‌بارتر می‌باشد.

چه آنان که با توهم شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیست، شعار "واقع‌بینی" سر داده دست‌سازش و تسلیم در برابر غاصبان دراز کردند، و چه کسانی که به خیال باطل خود، نسل دوم و سوم سیاستمداران صهیونیست را مبرا از جنایات نسل اول دانسته، امید همزیستی سالم در کنار آنان را در دل پروراندند، اکنون باید به خطای خود پی برده باشند. اولاً: با موج بیداری امت مسلمان و بالیدن نهال مقاومت اسلامی، آن هیبت دروغین فرو ریخته و نشانه‌های ناتوانی و درماندگی در رژیم غاصب آشکار گشته است، و ثانیاً خوی تجاوزگری

و بی‌شرمی از جنایت در گردانندگان آن رژیم همان است که در دهه‌های اوّل بود و هرگاه بتوانند یا گمان ببرند که میتوانند، از هیچ جنایتی رویگردان نیستند.

اکنون ۶۰ سال از اشغال فلسطین می‌گذرد. در این مدت همه‌ی ابزارهای قدرت مادی در خدمت غاصبان قرار گرفته است؛ از پول و سلاح و فناوری، تا تلاشهای سیاسی و دیپلوماسی، و تا شبکه‌ی عظیم امپراتوری خبری و اطلاع‌رسانی.

به‌رغم این تلاش شیطانی گسترده و حیرت‌آور، غاصبان و حامیان آنان نه تنها نتوانسته‌اند مسأله‌ی مشروعیت رژیم صهیونیستی را حل کنند، بلکه این مسأله با گذشت زمان بغرنج‌تر هم شده است.

عدم تحمل رسانه‌های غربی و صهیونیستی و دولتهای حامی صهیونیسم در برابر حتی طرح سؤال و تحقیق درباره هولوکاست که بهانه‌ی غصب فلسطین بود، یکی از نشانه‌های این تزلزل و ابهام است. اکنون وضع رژیم صهیونیستی از همیشگی تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرسش از دلیل پیدایش آن جدّی‌تر است. اعتراض بی‌سابقه و خودجوش جهانی از شرق آسیا تا امریکای لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در ۱۲۰ کشور جهان و از جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره‌ی خبیثه بود، و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه، نشان می‌دهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیسم پدید آمده که در ۶۰ سال گذشته هرگز تا این حد، جدی و حجیم نبوده است. میتوان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجدان جهانی را بیدار کند.

این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملت‌ی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن را به واقعیتی انکارناپذیر

تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ئی را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند. و هم برای امت اسلامی و بویژه جوانان غیور و وجدانهای بیدار آن، تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق پایمال شده، هرگز ضایع نمیشود و وعده‌ی خداوند راست است که فرمود:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

و قال تعالى: إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، و قال عز وجل: وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، و قال: وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ، و قال عز من قائل: فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ و کدام وعده از این وعده الهی صریح‌تر که فرمود: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

مغالطه‌ی بزرگی که در قضیه‌ی فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران چنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من نمیدانم اینها چرا از واقعیتهای دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمیگیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهایی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتند؟

چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را باز یابد؟ و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده‌ی خود را بر این واقعیتِ ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرف نظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانتبار آن، اولاً با هزینه‌ی سنگینِ اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً: چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروههای فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

و رابعاً: همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط ببرکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم‌ناپذیر بود. اگر انتقاضه‌ها رخ نمیداد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمیدادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده‌ی سرطانی مرتکب شده‌اند؟ و خود

پیش از آنکه میانجی باشند طرف دعوایند؟ دولت آمریکا هیچگاه حمایت بی قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایت‌های آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس‌جمهور جدید آمریکا هم که با شعار تغییر در سیاست‌های دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی قید و شرط به امنیت اسرائیل دم میزند، یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگوئی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در ۲۲ روز، این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر.

مذاکره با مجامع وابسته به سازمان ملل هم یک رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه‌ئی همچون مسأله‌ی فلسطین، مورد آزمون افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، یک روز اشغال فلسطین به وسیله‌ی گروه‌های تروریست جرّار را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن چندین دهه همواره در برابر نسل‌کشی‌ها، آواره‌سازیه‌ها، جنایت‌های جنگی و انواع جرائم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت‌آمیز کرد، و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست بودن صهیونیسم داد، نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل ۱۸۰ درجه با آن فاصله گرفت. کشورهای زورگوی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت‌اند از این مجمع جهانی همچون ابزار استفاده می‌کنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورابه کار امنیت در جهان کمکی نمیکند بلکه هر جا که قرار است مفاهیمی همچون حقوق بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله‌ی زیاده‌طلبی و سلطه‌ی بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می‌شتابد و بر

کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می‌افکند. نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.

ارکان این مقاومت، از سوئی گروه‌های مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دورکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بیشک وجدانهای بیدار و دل‌ها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت‌های اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی رؤسای چنددولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرآفرین و فسادآفرین - که نام قرآنی آنها شیطان است - به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت و کمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شیطانی غصب فلسطین را بشکند.

انرژی عظیم امت اسلامی میتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.

اکنون خطاب من به شما برادران و خواهران مسلمان است در سراسر جهان و نیز به همه‌ی وجدانهای بیدار از هر کشور و ملت. همت کنید و طلسم مصونیت جنایتکاران صهیونیست را بشکنید. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب را که در فاجعه‌ی غزه نقش آفرین بودند به پای میز محاکمه بکشانید و به مجازاتی که عدل و عقل حکم میکند برسانید. این اولین قدمی است که باید برداشته شود. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب باید محاکمه شوند. اگر جنایتکار مجازات شود، راه جنایت برای آنان که انگیزه و جنون آن را دارند ناهموار خواهد شد. آزاد گذاشتن عاملان جنایتهای بزرگ، خود عامل و مشوق جنایتهای دیگر است. اگر امت اسلامی پس از جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و آن فاجعه‌آفرینی‌های دهشتناک، مجازات صهیونیستهای فاجعه‌آفرین را بجد مطالبه میکرد، اگر این مطالبه‌ی بحق پس از به خاک و خون کشیدن کاروانهای عروسی در افغانستان و پس از جنایات بلکواتر در عراق و پس از رسواییهای سربازان امریکائی در ابوغریب و غیر آن صورت میگرفت، امروز ما شاهد کربلای غزه نمی بودیم.

ما دولتها و ملتهای مسلمان در آن قضایا وظیفه‌ئی را که قانون عقل و عدل بدان حکم میکرد انجام ندادیم و نتیجه آن چیزی است که امروز شاهد آنیم.

جای تأسف عمیق است که برخی از دولتها و سیاستمداران جهانی، از مقولات اخلاقی و قضاوت وجدانی بشری، سخت بیگانه‌اند. برای آنها قتل عام بیش از ۱۳۵۰ نفر و زخمی کردن حدود ۵۵۰۰ نفر مردم بی‌سلاح و بسیاری کودک در ظرف ۲۲ روز در غزه، هیچ حساسیتی بر نمی‌انگیزد؛ قاتلان و مجرمان نه تنها مجازات نمی‌شوند، که پاداش هم میگیرند. امنیت رژیم سفاک یک امر قدسی که باید در هر حال از آن

دفاع کرده به شمار می‌آید و طرف مظلوم، چه دولتی که با رأی قاطع مردم بر سر کار آمده و چه مردمی که آن دولت را بر سر کار آورده‌اند، متهم و محکوم میشوند. این است حکم دیوان سیاستی که با اخلاق و وجدان و فضیلت، نسبتی ندارد و آبش با آن به یک جو نمی‌رود. این دولتها هنگامی که نفرت عمیق افکار عمومی را از خود مشاهده میکنند، بی آنکه علت آشکار آن را ببینند، به سراغ باز هم سیاست‌ورزی می‌روند و این چرخه‌ی معیوب همچنان ادامه می‌یابد. برادران و خواهران عزیز در همه‌ی جهان اسلام! از تجربه‌ها درس بگیریم.

امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه‌ی شگرف است، و مسأله‌ی فلسطین، فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام است.

گاهی شنیده میشود که کسانی می‌گویند: فلسطین یک مسأله‌ی عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه‌تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند، این چیز پسندیده‌ئی است و ما به آن تبریک می‌گوئیم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه‌ی مهمی مانند فاجعه‌ی غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمی‌گذارد فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمک میکنید، در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عربی غیور و با وجدانی این سخن را نمی‌پذیرد و گوینده‌ی آن را از سرزنش و تقبیح معاف نمی‌سازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتک می‌زد و اگر کسی دخالت میکرد بر سر او فریاد

میکشید؛ پس از او هم پسرش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتک میگرفت و این در زبان عربی مثل شد که:

انَّ بَنِي رَمْلُونِي بِالْأَمِّ شِنْشَنَةً أَعْرِفُهَا مِنْ أَخْزَمِ
کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان است. دولتهائی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان بخاطر کمک به فلسطین خرده میگیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه‌ی دیگران باشند.

حضار محترم شما که در این گردهمائی حضور یافته اید، در مسئله‌ی فلسطین صاحب‌نظر و اندیشه‌ورید. وظیفه‌ی تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوریهای ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردم‌سالاری است که میتواند منطق مشترک همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینی‌هائی که سالها مشقت آوارگی را تحمل کرده اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه‌ی پابیند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه‌ی انتخابات کرانه‌ی باختری و غزه را که روی کار آمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جائی می‌پذیرند

که نتایج آن مطلوب آنان باشد، جنگ طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم میزنند جز دروغ و فریب نیست.

اکنون مسأله‌ی بازسازی غزه یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه‌ی مقاومتش در ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی، در خشانترین نقطه در تاریخ صدساله‌ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه‌ی فعالیتهای مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کمک‌ها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملت‌های مسلمان به وظیفه‌ی خود در این مهم عمل کنند.

در پایان یاد شهیدان جنگ ۲۲ روزه را که با خون خود غزه‌ی فلسطین را به عزت اسلام و عرب مبدل کردند گرامی میدارم و برای آنان طلب مغفرت و رحمت میکنم. و نیز به همه‌ی شهیدان فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان و همه‌ی شهیدان اسلام و به روح مطهر امام راحل عظیم‌الشأن درود میفرستم. از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و نزدیکی هر چه بیشتر ملت‌های مسلمان به یکدیگر و بیداری روزافزون دنیای اسلام را مسألت میکنم.

■ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



نص كلمة سماحة القائد المعظم
آية الله العظمى السيد علي الخامنئي (مد ظله العالی)
في الجلسة الافتتاحية للمؤتمر الدولي الرابع
للدفاع عن فلسطين رمز المقاومة،
وغزة ضحية الإجرام

طهران ٦ ربيع الأول لعام ١٤٣٠ هـ.ق.





أرحب بالضيوف الكرام و حضرات العلماء و المفكرين و السياسيين و المجاهدين المشاركين في المؤتمر الرابع للدفاع عن فلسطين في الجمهورية الإسلامية الإيرانية.

إن الفترة الزمنية الواقعة بين هذا المؤتمر و المؤتمر السابق الذي انعقد في طهران من ١٥ حتى ١٧ شهر ربيع الأول لعام ١٤٢٧ هـ، قد شهدت أحداثا هامة و مصيرية تجعل آفاق مستقبل القضية الفلسطينية أكثر وضوحا، كما تلقى مزيدا من الأضواء على مسؤولياتنا تجاه هذه القضية التي لاتزال تمثل القضية الرئيسية بالنسبة للعالم الإسلامي.

وتأتى ضمن هذه الأحداث المهمة، الهزيمة النكراء التي منيت بها إسرائيل عسكريا و سياسيا أمام المقاومة الإسلامية خلال حربها ضد لبنان عام ١٤٢٧ هـ، والتي استمرت ٣٣ يوما؛ ثم الفشل المخزئ الذي باء به الكيان الصهيوني خلال حربه الإجرامية التي شنها لمدة ٢٢ يوما ضد الشعب الفلسطيني و الحكومة الفلسطينية الشرعية في غزة. فإن هذا الكيان الغاصب الذي كان قد ظهر طيلة عقود عدة كوجه رهيب و كقوة لاتقهر و ذلك بالاعتماد على ما لديه من جيش و سلاح و بفعل الدعم الأمريكى

السياسى والعسكرى؛ نجده قد انهزم مرتين أمام قوى المقاومة التى كانت تقاتل بالاعتماد على الله والاستناد إلى جماهير الشعب قبل اعتمادها على السلاح والعتاد. ورغم التمارين والتحضيرات العسكرية والاستعانة بالأجهزة الاستخباراتية الضخمة والدعم السخى المتواصل من قبل أمريكا وبعض الدول الغربية ومعونة بعض المنافقين فى العالم الإسلامى،... رغم كل ذلك، فقد كشف الكيان الصهيونى عن واقع انهياره وعن المنحدر الحاد الذى بات يتدحرج منه إلى الهاوية، كما أثبت عجزه أمام تيار الصحو الإسلامية الجارف.

من جهة أخرى، فإن الجرائم التى ارتكبتها الصهاينة المجرمون خلال حادث غزة التاريخى متمثلة فى قتل المدنيين على نطاق واسع، وهدم البيوت العزلاء، و شق صدور الأطفال الرضع، وقصف المدارس والمساجد، واستخدام القنابل الفوسفورية وبعض الأسلحة المحرمة الأخرى، وسد طرق وصول الغذاء والدواء والوقود وسائر ما يحتاجه الناس لمدة سنتين تقريبا، وكثير من الجرائم الأخرى... كل تلك الجرائم قد أثبتت أن غريزة الهمجية والإجرام لدى قادة الدولة الصهيونية المزيفة لم تتغير عما كانت عليه خلال العقود الأولى لمأساة فلسطين؛ وإن نفس السياسة ونفس الطبيعة الهمجية والقسوة التى أوجدت مأسى ديرياسين وصبرا وشاتيلا، لاتزال تحكم بعينها الأذهان والنفوس المظلمة لهؤلاء الطواغيت.

ولاشك أن الاستعانة بالتطور التقنى المعاصر قد وسع من نطاق الإجرام وجعله أكثر مأساوية بدرجات.

سواء أولئك الذين كانوا قد توهموا أن الكيان الصهيونى قوة لا تقهر فرفعوا شعار "الواقعية" ومدّوا يد المساومة والاستسلام للغاصبين، أو أولئك الذين اعتبروا حسب أوهامهم الباطلة أن الجيل الثانى والثالث من الساسة الصهاينة براء من جرائم الجيل الأول فعلقوا الآمال على

إمكانية التعايش معهم بسلام،... ينبغي لهؤلاء جميعاً أن يكونوا قد انتبهوا اليوم إلى خطئهم في التقدير. فإنه أولاً: على ضوء موجة صحوة الأمة الإسلامية و تنامي شجرة المقاومة الإسلامية سقطت تلك الهيبة الزائفة و ظهرت مؤشرات العجز و الشلل في الكيان الغاصب. و ثانياً: يُلاحظ أن طبيعة العدوان و عدم الخجل من الإجرام لدى قادة هذا الكيان هي هي كما كانت لديهم خلال العقود الأولى. فإنهم لا يتورعون عن ارتكاب أى جريمة كلما وجدوا أو ظنوا أنفسهم قادرين عليها.

لقد مرّ اليوم ستون عاماً على احتلال فلسطين. و طوال هذه المدة، وُضع جميع ملزومات القوة المادية في خدمة المحتلين، ابتداءً من المال و السلاح و التقنية، إلى المساعي السياسية و الدبلوماسية، إلى شبكة الإمبراطورية الخبرية و الإعلامية الواسعة النطاق. و على الرغم من هذه الجهود الشيطانية الهائلة و المحيرة، لم يتمكن الغاصبون و لاحماتهم من حل مشكلة مشروعية الكيان الصهيوني، ليس هذا فحسب، و إنما ازدادت هذه المشكلة تعقيداً و صعوبة عليهم مع مرور الوقت. و مما يدل على هذا التزعزع و التعقيد في موقفهم هو أن الأجهزة الإعلامية الغربية و الصهيونية و الحكومات الداعمة للصهيونية لا تتحمل مجرد سؤال أو إجراء بحث و دراسة حول الهولوكوست الذى اتُخذ ذريعة لاغتصاب فلسطين. فقد أصبح الكيان الصهيوني اليوم أمام الرأي العام العالمى فى حالة هي أسوأ من أى وقت مضى فى تأريخه الأسود. كما أصبح التساؤل عن مبرر وجوده أكثر جدية من أى وقت. إن موجة الاحتجاج العالمية العفوية التى انطلقت ضد هذا الكيان بشكل لم يسبق له مثيل و التى اجتاحت العالم من شرق آسيا إلى أمريكا اللاتينية، و المظاهرات الجماهيرية التى قامت فى ١٢٠ بلد من بلدان العالم بما فى ذلك البلدان الأوروبية التى هي

المنبت الرئيسى لهذه الشجرة الخبيثة، وذلك سواء للدفاع عن المقاومة الإسلامية في غزة أو عن المقاومة الإسلامية اللبنانية خلال حرب ال ٣٣ يوما،... كل ذلك إن دل على شيء فإنما يدل على ظهور مقاومة عالمية ضد الصهيونية بما لم يسبق له مثيل بهذا المستوى من الجدية و الشمولية طوال الأعوام الستين الماضية. فيمكن القول إذن بأن المقاومة الإسلامية في لبنان و فلسطين قد نجحت في إيقاظ الضمير العالمى.

و إن هذا لدرس كبير لأعداء الأمة الإسلامية الذين حاولوا أن يصطنعوا دولة و أمة مزيفتين بفعل القمع و الكبت، و أن يحولوا ذلك إلى واقع لا يمكن إنكاره، ثم يعملوا على تطبيع مثل هذا الظلم المفروض على العالم الإسلامى؛ كما أنه درس كبير للأمة الإسلامية و بخاصة الشباب الغيارى و الضمائر الحية فيها، ليعلموا أن الجهاد فى سبيل استعادة الحق المسلوب لن يذهب هباءً، و أن وعد الله حق إذ يقول: "أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا و إن الله على نصرهم لقدير. الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق إلا أن يقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره إن الله لقوى عزيز". و يقول تعالى: "إن الله لا يخلف الميعاد" و قال عز وجل: "و لن يخلف الله وعده" و يقول: "وعد الله لا يخلف الله وعده و لكن أكثر الناس لا يعلمون" و يقول عز من قائل: "فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله عزيز ذو انتقام". و أى وعد يكون أكثر صراحة من هذا الوعد الإلهى حيث يقول: "وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الأرض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذى ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدوننى لا يشركون بى شيئا و من كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون".

هناك مغالطة كبيرة قد انتابت أذهان بعض المعنيين فيما يتعلق بالقضية الفلسطينية وهي أن دولة باسم إسرائيل تمثل واقعا مضى على عمره ستون عاما، فيجب التصالح والتعايش معه. وأنا لأدري لماذا لا يتلقى هؤلاء الدرس من سائر الوقائع الماثلة أمام أعينهم؟ ألم تستعد دول البلقان و القوقاز و جنوب غرب آسيا هويتها الأصلية مرة أخرى رغم أنها عاشت ثمانين عاما في غياب الهوية بعد التحول إلى أجزاء من الاتحاد السوفيتي السابق؟ فلماذا لا تستطيع فلسطين وهي بضعة من جسد العالم الإسلامي أن تستعيد هويتها الإسلامية والعربية مرة أخرى؟ ولماذا لا يستطيع شباب فلسطين وهم من أكثر شباب الأمة العربية ذكاء و صمودا أن يُغلبوا إرادتهم على هذا الواقع الظالم؟

وهناك مغالطة أخرى أكبر من المغالطة الأولى، وهي أن يقال بأن الطريق الوحيد لإنقاذ الشعب الفلسطيني هو إجراء المباحثات! مع من يا ترى تكون المباحثات؟ أ تكون المباحثات مع الكيان الغاصب المتعسف الضال الذي لا يؤمن بأى مبدأ سوى مبدأ القوة؟ ماذا جنى أولئك الذين علقوا الأمل على هذه الألعوبة والخديعة؟ أولا: ما أخذه هؤلاء من الصهاينة باعتباره حكما ذاتيا بغض النظر عن طبيعته المخزية والمهينة قد كلفهم ثمنا باهظا وهو الاعتراف بملكية الكيان الغاصب لكل أرجاء فلسطين تقريبا. ثانيا: إن تلك السلطة الناقصة الزائفة نفسها ظلت تُنتهك وتُداس تحت أقدام الصهاينة مرات ومرات. فإن محاصرة ياسر عرفات في مبنى إدارته في رام الله مع أنواع ممارسات التحقير والإذلال ليست من الأحداث التي تحمى من الذاكرة. ثالثا: كان تعامل الصهاينة مع مسؤولى السلطة الفلسطينية سواء في عهد عرفات أو بعده على شكل التعامل مع رؤساء مراكز شرطتهم ممن يتمثل واجبه في مطاردة واعتقال المجاهدين الفلسطينيين وتطويرهم استخباراتيا وأمنيا. فكان أن زرعوا بذور العداء بين الفصائل

الفلسطينية وحرّضوهم ضد بعضهم. رابعا: وحتى ذلك القدر الضئيل من الإنجاز لم يتحقق إلا بفضل جهاد المجاهدين ومقاومة الغيارى من الرجال والنساء الراضين للاستسلام. فلولا موجات الانتفاضة لما أعطى الصهاينة للقادة الفلسطينيين التقليديين حتى هذا الشيء الضئيل رغم التنازلات المتواصلة التى قدمها هؤلاء للجانب الصهيونى.

هل تكون المباحثات مع أمريكا وبريطانيا اللتين ارتكبتا الذنب الأكبر من خلال إيجادهما هذه الغدة السرطانية ودعمهما لها؟ و اللتين تمثلان طرفا فى الدعوى قبل أن تكونا الوسيط فيها؟ فلم تتوقف الإدارة الأمريكية يوما عن دعمها اللامحدود للكيان الصهيونى أو حتى لجرائمه السافرة من قبيل ما ارتكبه فى غزة مؤخرا. بل إن الرئيس الأمريكى الجديد الذى جاء إلى سدة الرئاسة رافعا شعار التغيير فى سياسات إدارة بوش، نراه يتكلم عن التزامه بلا قيد أو شرط بحماية أمن إسرائيل، أى دفاعه عن إرهاب الدولة وعن الظلم والتعسف، وعن مجازر راح ضحيتها مئات من الرجال والنساء والأطفال الفلسطينيين خلال ٢٢ يوما. هذا يعنى نفس الطريق الخاطئ السلوك فى عهد بوش بالضبط.

كما أن إجراء المباحثات مع الأوساط التابعة للأمم المتحدة هو أيضا توجه عقيم آخر. فقلّما نجد حالة قد تعرضت الأمم المتحدة فيها لاختبار فاضح مثل تعرضها للاختبار فى قضية فلسطين. لقد سارع مجلس الأمن بالأمس إلى الاعتراف رسميا باحتلال فلسطين من قبل الجماعات الإرهابية الفاتكة وقام بدور أساس فى تكريس هذا الظلم التاريخى واستمراره. ثم طفق يلتزم صمتا ينم عن الرضا أمام ما ارتكبه الكيان الصهيونى طوال عدة عقود من عمليات إبادة جماعية وتشريد وجرائم حربية وغيرها من أنواع الجرائم. بل إنه لما أعلنت الجمعية العامة عنصرية

الصهيونية لم يواكبها مجلس الأمن. ليس هذا فحسب وإنما ابتعد عن موقف الجمعية العامة عمليا بمقدار ١٨٠ درجة. إن الدول الجبارة في العالم و المتمتعة بالعضوية الدائمة في مجلس الأمن تستخدم هذا المحفل العالمي كأداة لها. و نتيجة لذلك، فإن هذا المجلس لا يساعد على تعزيز الأمن في العالم، بل يسارع لمساعدة تلك الدول الجبارة كلما يراى أن تكون مواضع كحقوق الإنسان أو الديمقراطية و ما إلى ذلك وسيلة لفرض مزيد من هيمنة تلك الدول، فيسدل على أعمالها اللاشريعية ستارا من الخداع و الدجل.

إن إنقاذ فلسطين لن يتحقق من خلال الاستجداء من الأمم المتحدة أو القوى المسيطرة و لا من الكيان الغاصب البتة. إنما السبيل إلى الإنقاذ هو الصمود و المقاومة و ذلك من خلال توحيد كلمة الفلسطينيين و بالاستعانة بكلمة التوحيد التى تشكل رصيذا لا ينضب للحركة الجهادية.

إن ركيزتى هذه المقاومة عبارة عن المجموعات الفلسطينية المجاهدة و أبناء الشعب الفلسطينى المؤمن المقاوم فى داخل فلسطين و خارجها من جهة، و الحكومات و الشعوب الإسلامية فى أرجاء المعمورة سيما علماء الدين و المثقفون و النخب السياسية و الجامعيون من جهة أخرى. فإذا استقرت هاتان الركيزتان فى مكانهما، فلاشك أن الضمائر الحية و القلوب و العقول التى لم تنطل عليها الأحابيل الدعائية للإمبراطورية الإعلامية الاستكبارية الصهيونية، ستسارع إلى مناصرة أصحاب الحق و المظلومين فى أى مكان من العالم كانوا، و ستجعل الأجهزة الاستكبارية أمام عاصفة هوجاء من الفكر و الإحساس و العمل.

إننا شاهدنا وجهها من هذه الحقيقة خلال الأيام الأخيرة من المقاومة الباسلة فى غزة. فدموع مدير منظمة خدماتية دولية ينتمى للعالم الغربى أمام كاميرات الإعلاميين، أو التصريحات

المتعاطفة التي جرت على ألسن الناشطين في المنظمات الإنسانية، أو المظاهرات الضخمة المخلصة الجماهيرية في وسط العواصم الأوروبية و المدن الأمريكية، أو الخطوة الشجاعة التي اتخذها بعض رؤساء دول أمريكا اللاتينية... كل ذلك إن دل على شيء فإنما يدل على أن قوى الشر و الفساد التي سُميت في القرآن بالشياطين لم تهيمن بعد على كل عالم غير المسلمين بالكامل، و أن الساحة مازالت مفتوحة لجولان الحقيقة.

نعم، إن عامل المقاومة و الصبر لدى المجاهدين الفلسطينيين و مواطنيهم، و دعم جميع الأقطار الإسلامية لهم بوجه شامل سيسطيع كسر هذا الطلسم الشيطاني المتمثل في اغتصاب فلسطين. و إن الطاقة الهائلة التي تمتلكها الأمة الإسلامية من شأنها أن تحل مشاكل العالم الإسلامي بما في ذلك مشكلة فلسطين المتفاقمة و التي تتطلب معالجة سريعة.

و ها هو كلامي الموجه إليكم أيها الإخوة و الأخوات المسلمون في كل أرجاء المعمورة كما إلى جميع الضمائر الحية من كل بلد أو شعب كانوا: اشحذوا الهمم و اكسروا طلسم حصانة المجرمين الصهاينة. اعملوا على محاكمة كل من لعب دورا في مأساة غزة من القادة السياسيين و العسكريين في الكيان الصهيوني الغاصب، و معاقبتهم وفق ما يحكم به العقل و العدالة. إنها الخطوة الأولى التي يجب اتخاذها. لا بد من محاكمة القادة السياسيين و العسكريين في الكيان الغاصب. فعندما يعاقب المجرم فإن طريق الإجرام سيصبح وعرا و شائكا لمن لديه دافع ارتكاب الجريمة و يعاني من جنون الإجرام. إن ترك مرتكبي الجرائم الكبرى و إطلاق أيديهم يشكل بدوره عاملا مشجعا لارتكاب جرائم أخرى. فلو أن الأمة الإسلامية بعد حرب ال ٣٣ يوما في لبنان و ما انطوت عليه من مأس مروعة طالبت مطالبة جادة بمعاينة الصهاينة المتسببين في تلك المآسي، لو تمت متابعة هذه المطالبة العادلة كذلك بعد ارتكاب المجازر

الدامية في قوافل العرس بأفغانستان، أو بعد ممارسات الجنود الأمريكيان المفضوحة في أبوغريب؛... لما كنا اليوم أمام مشهد كربلاء في غزة. إننا بصفتنا الحكومات والشعوب المسلمة لم نقم في تلك الأحداث والقضايا بالواجب الذي يحكم به القانون والعقل والعدالة. و نتيجة ذلك الموقف ما نشهده اليوم عيانا.

و مما يدعو للأسف العميق أن بعض الحكومات والساسة في العالم يقفون بعيدين كل البعد عن المقولات الأخلاقية و عما يحكم به الضمير الإنساني. حيث أن مجزرة في غزة تكون حصيلتها خلال ٢٢ يوما، أكثر من ١٣٥٠ قتيلا وحوالي ٥٥٠٠ جريح من المواطنين العزل و بينهم عدد كبير من الأطفال لا تثير أى حساسية لدى هؤلاء. و إن القتلة و المجرمين لا يعاقبون على جرائمهم، بل يُمنَحون مكافآت. كما أن أمن هذا الكيان الدموي يُعتبر أمرا مقدسا يجب الدفاع عنه بأي حال، و أن الطرف المظلوم هو الذى يُتهم و يدان سواء أكان هذا الطرف المظلوم حكومة جاءت إلى الحكم بواسطة أصوات الشعب الحاسمة أو كان أولئك المواطنين الذين جاؤوا بها بأصواتهم. هذا هو موقف محكمة السياسة التى لا تمتّ بصلة إلى الأخلاق و الضمير و الفضيلة، و لا يمكن لها أن تنسجم مع هذه القيم. و عندما تواجه هذه الحكومات الكراهية العميقة التى يحملها الرأى العام تجاهها، تلجأ مرة أخرى إلى اللعبة السياسية دون أن تكثر بالسبب الواضح لذلك. ثم يستمر هذا الدور الباطل دون أن يتوقف. أيها الإخوة و الأخوات الأعزاء فى أرجاء العالم الإسلامى! لنتلقَ الدرس من التجارب.

إن أمتنا العظيمة تمتلك اليوم قوة هائلة ببركة الصحة الإسلامية. و إن مفتاح حل المشاكل العديدة التى تعانى منها الدول الإسلامية بيد هِمَم هذه المجموعة المدهشة، و إن القضية الفلسطينية أهم قضية ملحة فى العالم الإسلامى.

يُسمع في بعض الأحيان أن هناك من يقول: إن قضية فلسطين هى قضية عربية. ماذا يعنى هذا الكلام ياترى؟ فإذا كان المقصود منه أن لدى العرب شعورا أقوى بصلة القرابة و إنهم يريدون أن يقدموا خدمة أوفى و يبذلوا مزيدا من الجهود، فهذا شىء محمود و نحن نباركهم عليه. لكن إذا كان المقصود من هذا الكلام أن لا يكثر قادة بعض الدول العربية بصرخة "يا للمسلمين" المنطلقة من حناجر الفلسطينيين، و أن يتعاونوا مع العدو الغاصب الغاشم في حادث خطير مثل مأساة غزة و يطلقوا صرخة الاحتجاج على الآخرين الذين يناصرون أهل غزة بسبب أن الشعور بالواجب لا يسمح لهم أن يبقوا متفرجين؛ ففي هذه الحالة لا يقبل بذلك الكلام أى غيور يملك ضميرا حيا مسلما كان أو عربيا و لا يعفى قائله من اللوم و الشجب. إنه منطق "أخزم" بعينه. إذ كان يضرب أباه و كلما أراد أحد أن يتوسط صرخ بوجهه محتجا، ثم تبعه ابنه فأشبع جده ضربا. فأصبح ذلك مثلا لدى العرب كما ورد في البيت التالى: إن بنى رملونى بدمى شنشنة أعرفها من أخزم.

أيها الحضور الكرام، إنكم قد شاركتكم في هذا المؤتمر بصفتكم أصحاب رأى و خبرة في القضية الفلسطينية. و ليس من واجبا التاريخى اليوم أن نقوم بتكرار المقولات و النظريات العقيمة الماضية. و إنما علينا أن نبحث عن طريقة تؤدى إلى تحرير فلسطين من نير ظلم الكيان الصهيونى. إن ما نقترحه هو طريقة متطابقة تماما مع مبدأ حكم الشعب وهو مبدأ يمكن أن يكون منطقا مشتركا بين كل أنواع التفكير في العالم. و هذا الاقتراح هو أن يشارك جميع أصحاب الحق في أرض فلسطين من المسلمين و المسيحيين و اليهود في اختيار نوع نظامهم المنشود، و ذلك من خلال استفتاء شعبى عام؛ على أن يشارك في ذلك الاستفتاء جميع الفلسطينيين الذين تحملوا عناء التشرد طوال سنين.

على العالم الغربى أن يعلم بأن رفضه لهذا الحل يبرهن على

عدم التزامه بالديمقراطية التي يتبجح بها دوماً، وأن ذلك سيكون اختباراً آخر لفضح أمره وكشف وجهه الحقيقي. كما أنه سبق أن تعرض لاختبار آخر في الساحة الفلسطينية عندما رفض الاعتراف بنتيجة الانتخابات في الضفة الغربية وقطاع غزة والتي جاءت بحكومة حماس إلى السلطة. إن الذين لا يقبلون بالديمقراطية إلا إذا كانت نتائجها متفقة مع ما يريدون، هم طلاب الحرب والمغامرة. وإذا تحدثوا عن السلام فليس ذلك إلا كذبا وخداعا.

إن موضوع إعادة بناء غزة هو من أهم القضايا الملحة بالنسبة لفلسطين في الوقت الحاضر. وإن حكومة حماس المنتخبة من قبل الأغلبية الساحقة من الفلسطينيين، والتي تشكل ملحمة مقاومتها في إفشال مخطط الكيان الصهيوني أكبر نقطة مشرقة خلال فترة المائة عام الأخيرة من تاريخ فلسطين، يجب أن تكون هي القاعدة والمركز لجميع الأنشطة الخاصة بعملية إعادة البناء. وإنه من الجدير أن يقوم الإخوة المصريون بفتح الطرق لوصول المساعدات والتبرعات وأن يسمحوا بأن تقوم الدول والشعوب المسلمة بواجبها في هذا الشأن.

وفي الختام، أود أن أذكر بالتكريم والإجلال، شهداء حرب الـ ٢٢ يوماً، الذين حولوا غزة ببركة دمائهم إلى معزة للإسلام والعرب؛ سائلاً لهم من المولى الرحمة والغفران. تحية لجميع شهداء فلسطين ولبنان والعراق وأفغانستان وجميع شهداء الإسلام، وتحية لروح الإمام الراحل العظيم الطاهرة. أسأل الله تعالى العز والرفعة للإسلام والمسلمين، والمزيد من التقارب والتلاحم بين الشعوب المسلمة، واليقظة المتنامية للعالم الإسلامي.

■ والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته



فلسطين؛ مظهر مقاومة، غزة؛ قرباني جنائت
فلسطين؛ رمز المقاومة، غزة؛ ضحية الإجرام

Palestine, the Model of Resistance, Ghaza, the Victim of War Crimes

Palestine symbole de la résistance; Gaza victime des crimes





pouvoir. Ceux qui admettent la démocratie tant que les résultats de celle-ci leur plaisent, sont bellicistes et aventuristes, et ne pensent qu'à des mensonges et des tromperies lors qu'ils parlent de la paix.

A l'heure actuelle, la construction de Gaza est l'une des questions les plus immédiates dans l'affaire palestinienne; Le gouvernement du Hamas qui est élu par la majorité écrasante des Palestiniens et dont la résistance victorieuse face au régime sioniste a ouvert une page éclatante dans l'histoire des derniers cent ans de la Palestine, doit être le centre de toutes les activités relatives à la construction. Il convient que les frères égyptiens ouvrent la voie d'acheminement d'aides et permettent aux pays et peuples musulmans d'assumer leurs devoirs qui sont à eux.

Pour terminer, je tiens à rendre hommage aux martyrs de la guerre de 22 jours qui ont transformé Gaza, par leurs sangs, en la dignité de l'islam et de l'arabe, et à demander pour eux le pardon et la clémence divins. Je rends également hommage à tous les martyrs de la Palestine, du Liban, de l'Irak et de l'Afghanistan, aux martyrs de l'islam ainsi qu'à l'âme pure de l'Imam Khomeiny.

J'implore Dieu, Tout-Puissant pour la dignité de l'islam et les musulmans et pour le rapprochement toujours davantage des peuples musulmans ainsi que pour le réveil croissant du monde de l'islam.

■ **Wassalamou Alaykom**
Wa Rahmatoullah wa barakatohoh



venir en aide au peuple palestinien et de leur apporter un plein soutien. Les pays qui reprochent à la République Islamique d'Iran et à un certain nombre d'autres pays musulmans d'avoir aidé la Palestine, peuvent prendre en charge cette aide pour dispenser les autres de ce devoir islamiques, et s'ils n'en ont pas la capacité et le courage, il vaudrait mieux d'être reconnaissants vis-à-vis des actions responsables et courageuses des autres pays, plutôt que de chercher à faire obstruction.

Chers participants ici présents à cette Conférence, vous êtes tous des personnalités clairvoyantes et intellectuelles. Aujourd'hui, notre devoir historique n'est pas de répéter les allégations et les théories impuissantes du passé, mais de chercher à présenter un mécanisme susceptible de libérer la Palestine du joug du régime sioniste. Notre proposition s'enregistre sur un mécanisme en pleine conformité avec la démocratie qui pourrait représenter la logique que partagent toutes les opinions mondiales. D'après cette proposition, tous les ayants droit dans le territoire palestinien, les musulmans, les chrétiens et les juifs participent à un référendum afin de choisir leur propre système, et y participent également tous les Palestiniens qui ont souffert des années d'exil et d'expatriation.

Les pays occidentaux doivent savoir que le refus de cette solution signifiera l'infidélité envers la démocratie dont ils se prétendent protagonistes sous peine de se voir exposés à une nouvelle épreuve révélatrice. La précédente épreuve a également eu lieu en Palestine suivant laquelle ils n'ont pas voulu accepter les résultats des élections en Cis-Jordanie et à Gaza à l'issue desquelles le gouvernement du Hamas est arrivé au

sans se demander l'origine de cette indignation, et ce cercle vicieux continue.

Cher sœurs et frères partout dans le monde de l'islam! Tirons des leçons des expériences.

De nos jours, notre grand Umma est énormément puissante grâce au réveil islamique. La solution aux difficultés nombreuses des pays islamiques réside dans le zèle et la solidarité à engager par l'ensemble de ces pays, et en ce sens, la question palestinienne constitue la question la plus urgente du monde de l'islam.

On apprend parfois que certains disent que la Palestine constitue un problème arabe. Qu'est ce que cette phrase signifie? Ceci est une bonne chose si on entend par là que l'arabe sent plus de liens de parenté à ce sujet et qu'il veut offrir plus d'efforts et de services en la matière, et nous les en félicitons. Mais si ceci veut dire que les dirigeants d'un certain nombre de pays arabes ne font pas la moindre attention à la voie de "Ya-lal Moslemin" créée par le peuple palestinien et qu'ils coopèrent avec l'ennemi usurpateur et oppresseur dans une affaire importante comme celle de catastrophe de Gaza, et qu'ils reprochent vivement les efforts déployés par d'autres qui se précipitent à assumer leur devoir, dans ce cas-là, aucun musulman et aucun arabe vaillant et consciencieux ne pourra admettre la phrase précitée et en reprochera certes, les gens qui la disent. Ceci nous rappelle la logique de "Akhzam" qui frappait son père et criait contre les gens qui voulaient intervenir, et après lui, c'était au tour de son fils de passer à tabac son grand père. Cette histoire est devenue un proverbe en langue arabe:

ان بنى رملوني بالدم شنشنه اعرفها من اخزم

Il est un devoir absolu pour tous les musulmans de



restent libres, d'autres crimes seront de plus en plus encouragés. Si, après la guerre de 33 jours du Liban et ses catastrophes terribles, l'Umma islamique exigeait sérieusement la traduction en justice des sionistes aventuristes, et si cette juste revendication intervenait après des effusions de sang des cortèges de noces en Afghanistan ou après les crimes de Blachwater en Irak, ou encore après les scandales des soldats américains à Abou Qoraib, l'on ne serait pas aujourd'hui témoin du Kerbela de Gaza. Dans toutes ces affaires-là, Nous, les Etats et les peuples musulmans, l'on a pas assumé le devoir qui était à nous en fonction de la raison et de la justice, et d'où les conditions que nous constatons aujourd'hui.

Il est particulièrement regrettable de voir qu'un certain nombre de pays et d'hommes politiques internationaux s'éloigne visiblement des contextes de la conscience morale et humaine. A leurs yeux, ne suscitent aucune sensibilité les offensives de 22 jours à Gaza contre un peuple sans défense qui ont laissé plus de 1350 tués et environ 5500 blessés dont beaucoup d'enfants; Non seulement, les assassins et les criminels ne se voient pas punir, mais au contraire on les récompense. La sécurité d'un régime sanguinaire devient une chose sacrée qui doit être à jamais défendue, et de l'autre côté, l'opprimé est accusé et condamné, qu'il s'agisse d'un gouvernement élu par le vote écrasant des électeurs ou qu'il s'agisse d'un peuple qui a mis au pouvoir ce gouvernement. Voila le jugement d'une juridiction politique qui n'a rien à voir avec les mœurs et la conscience ni avec la vertu. Chaque fois que ces pays-là sont confrontés à l'indignation profonde de l'opinion publique, ils se livrent à des jeux politiques

durant les derniers jours de la glorieuse résistance de Gaza. Les larmes d'un directeur occidental d'une organisation de services internationale devant les caméras de presse, les sympathies témoignées par les militants des organisations humanitaires, les grandes manifestations populaires dans les capitales européennes et les villes américaines, les démarches courageuses d'un certain nombre de Chefs d'Etat latino-américains....voilà quelques signes qui prouvent que le monde non musulman n'est pas encore envahi pleinement par les forces maléfiques et pervertissantes- baptisées dans le Saint Coran "le Satan"- et que le terrain y reste ouvert à la vérité. Or la résistance et la patience dont font preuve les moudjahids et le peuple palestinien et le soutien tous azimut apporté à ceux-ci par tous les pays islamiques, seront susceptibles de rompre le charme diabolique de l'usurpation de la Palestine. L'énorme énergie de l'Umma islamique est à même de résoudre les difficultés du monde de l'islam y compris le problème grave et immédiat de la Palestine.

Je m'adresse à vous, sœurs et frères musulmans dans le monde entier ainsi qu'à toutes les consciences réveillées de tout pays et toute nation. Déployez vos efforts afin de rompre le charme de l'immunité des criminels sionistes. Traduisez en justice les dirigeants politiques et militaires du régime sioniste impliqués dans la catastrophe de Gaza pour les punir par un jugement juste et raisonnable. C'est le premier pas à franchir. Les dirigeants politiques et militaires du régime usurpateur doivent être jugés. La punition du criminel rendra infranchissable le chemin de commettre des crimes pour ceux qui en ont la motivation et obsession. Si les auteurs de grands crimes



l'a pas accompagné, mais au contraire, il s'en est effectivement éloigné à cent pour cent. Les pays oppresseurs du monde dont le régime est membre permanent au Conseil de sécurité, instrumentalisent l'Assemblée Générale. D'où, non seulement le Conseil ne contribuerait pas au maintien de la sécurité dans le monde, mais au contraire il vient en aide à ces pays-là chaque fois qu'ils veulent utiliser des principes tels que les droits de l'homme et la démocratie pour élargir leurs ambitions et domination, mettant ainsi une couverture de tromperie et de mensonge sur leurs démarches illégitimes.

Sauver la Palestine ne se réalise pas par mendicité auprès de l'Organisation des Nations Unies ou chez une puissance hégémonique et a fortiori par le régime usurpateur. Ceci ne sera possible que par la résistance et par l'unanimité des Palestiniens en s'appuyant sur l'Unité de Dieu qui est la source inépuisable du mouvement djihadiste.

Cette résistance est fondée d'une part, par les groupes de moudjahids palestiniens et tout le peuple croyant et résistant de la Palestine résident à l'intérieur et à l'extérieur du pays, et d'autre part par les pays et les nations musulmans dans le monde entier, en particulier les oulémas religieux, les intellectuels, les élites politiques et les universitaires.

Ces deux fondements solides une fois bien placés, les opprimés du monde entier seront aidés par les consciences réveillées ainsi que par les coeurs et les pensées qui ne sont pas métamorphosés par la propagande de l'empire médiatique de l'arrogance et du sionisme, et l'appareil de l'arrogance s'exposera ainsi à une tempête de pensée, de sentiment et d'action. Nous avons constaté un exemple de cette vérité

ceci en dépit de la disponibilité des présidents traditionnels palestiniens à faire des concessions.

Ou de négocier avec les Etats-Unis et le Royaume Uni qui ont commis le plus grand pécher en créant et en soutenant cette tumeur cancéreuse? Sont- ils des parties prenantes plutôt que des médiateurs dans cette affaire? Le gouvernement américain n'a jamais cessé son soutien incondtionnel au régime sioniste et voire, à ses crimes flagrants comme ce qui s'est passé récemment à Gaza. Même, Le nouveau Président américain qui est arrivé au pouvoir avec le slogan du changement dans les politiques de l'Administration Bush, parle des engagements sans réserve vis-à-vis de la sécurité israélienne, ne serait ce que pour défendre le terrorisme étatique, défendre l'injustice et le langage de la force et défendre le massacre des centaines d'hommes, de femmes et d'enfants palestiniens pendant 22 jours; Et certes il s'agit là, la même voie fausse parcourue sous Bush. La négociation avec des instances dépendantes des Nations Unies constitue une autre approche infructueuse. Dans le cas palestinien, l'Organisation des Nation Unies a fait l'objet d'une épreuve révélatrice et scandaleuse, rarement vue dans d'autres cas. le Conseil de sécurité a reconnu rapidement l'occupation de la Palestine par les groupes terroristes, jouant ainsi un rôle primordial dans la création et la continuité de cette injustice historique, et ensuite, pendant des décennie, il a toujours observé un silence satisfaisant vis-à-vis des génocides, des expatriations, des crimes de guerre et d'autres crimes perpétrés par ce régime; Et lorsque l'Assemblée Générale a estimé dans son vote le sionisme comme raciste, non seulement le Conseil de sécurité ne



arabes les plus intelligents et les plus résistants ne devraient-ils pas réussir leur propre volonté face à cette réalité injuste?

L'autre grand sophisme se dévoile lors que l'on dit que la négociation est le seul moyen de sauver le peuple palestinien! Négociation avec quel interlocuteur? Avec un régime usurpateur, oppresseur et égaré qui ne croit en aucun autre principe que celui de la force? Qu'est-ce qu'ils ont gagné ceux qui se sont contentés de cet instrument de séduction et de tromperie? Premièrement, le statut de l'Autorité autonome qu'ils ont pu obtenir des sionistes- pour ne pas dire qu'il est humiliant et offensant- a été payé par un coût lourd à savoir reconnaître la propriété du régime usurpateur sur quasiment la totalité de la Palestine; Deuxièmement, même, l'exercice de cette petite autorité a été des fois piétinée sous divers prétextes. L'enfermement de Yasser Arafat à son bureau à Ramallah et des humiliations et dégradations qui lui ont été imposées, ne pourront pas tomber trop facilement dans l'oubli. Troisièmement, aussi bien sous Yasser Arafat que particulièrement après lui, les sionistes ont traité avec les responsables de l'Autorité autonome comme leurs propres gendarmeries qui sont tenues de poursuivre et d'arrêter les moudjahids palestiniens et de leur imposer un contrôle de renseignement et policier, et ils ont semé ainsi la semence de la haine entre les groupes palestiniens pour opposer les uns contre les autres; Et quatrièmement, ce peu d'acquis qui est enfin obtenu est grâce au djihad des moudjahids et à la résistance des hommes vaillants et des femmes patientes. Faute des Intifadas, les sionistes ne seraient jamais d'accord avec ce peu d'acquis, et

لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز.

Dieu, Tout-Puissant dit également:

ان الله لا يخلف الميعاد.....

Et dit:

و لن يخلف الله وعده

Et dit:

وعدا الله لا يخلف الله وعده و لكن اكثر الناس لا يعلمون

Et le Tout-Puissant:

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله ان الله عزيز ذو انتقام
Y aura-t-il une promesse plus explicite que celle de Dieu qui dit:

وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدوننى لا يشركون بى شيئا و من كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون.
La mentalité d'un certain nombre de personnalités est envahie par un sophisme colossal suivant lequel un pays sous le nom d'Israël constitue une réalité de soixante ans et il faudrait s'accoutumer avec celle-ci. Je me demande pourquoi ils ne viennent pas tirer des leçons d'autres réalités qui se présentent devant leurs yeux? Les pays des Balkans, du Caucase et de l'Asie du sud-ouest, n'ont-ils pas retrouvé leurs propres identités après 80 ans de dépendance et de transformation en des parties de l'ex-Union soviétique? Pourquoi la Palestine qui fait partie du monde de l'islam ne devrait-elle pas renouer avec sa propre identité islamique et arabe? Et pourquoi les jeunes palestiniens qui sont parmi les jeunes



du sionisme face à une simple interrogation ou recherche sur l'holocauste - qui a servi de prétexte pour l'usurpation de la Palestine -, constitue l'une des signes d'incompréhensibilité et d'ambiguïté en la matière. A l'heure actuelle, l'historique noir du régime sioniste s'est empiré plus que jamais aux yeux de l'opinion publique mondiale, et l'interrogation sur les origines de la création de ce régime est devenue plus sérieuse. Les protestations sans précédente et spontanées dans le monde, de l'est de l'Asie à l'Amérique Latine, élevée à l'encontre de ce régime et les manifestations populaires dans 120 pays du monde y compris en Europe et au Royaume Uni en tant que principale origine de cet "arbre ignoble", et leur soutien à la résistance islamique à Gaza ainsi qu'à la celle au Liban dans les guerre de 33 jours, tout ceci montre qu'une résistance mondiale- la plus sérieuse depuis 60 ans- s'est formée contre le sionisme. Or, on dirait que la résistance islamique libanaise et palestinienne a pu réveiller la conscience mondiale.

Il s'agit là d'une grande leçon pour les ennemis de l'Umma islamique qui ont voulu créer par force et répression un Etat et une nation fausse et sur mesure afin de les transformer dans le temps en des vérités incontestables et de banaliser cette déduction injuste dans le monde de l'islam; ce sera également une leçon pour l'Umma islamique, elle-même, en particulier pour les jeunes vaillants et leur conscience réveillée pour qu'ils sachent que les efforts déployés en faveur de la réhabilitation des droits bafoués ne resteront pas sans récompense et que la promesse de Dieu est vraie:

اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير.
الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و

certes, aujourd'hui la dimension des crimes serait de plus en plus vaste et dévastatrice vu l'usage de la technologie avancée.

Ceux qui songeaient à l'invincibilité du régime sioniste, criaient le slogan du "réalisme" et tendait la main de compromis et de reddition vers les Usurpateurs, et ceux qui considéraient à tort les deuxièmes et troisièmes générations des politiciens sionistes comme non criminels et espéraient une coexistence saine avec eux, tous ces deux groupes se sont rendu compte de leurs fausses imaginations. En premier lieu, grâce à la vague du réveil de l'Umma musulmane et de l'épanouissement de l'arbuste de la résistance islamique, cette fausse grandeur s'est écrasée et des signes de faiblesse et d'impuissance ont été apparues chez le régime usurpateur, et en seconde lieu, la nature agressive et éhontée des meneurs de jeu du régime sioniste subsiste déjà tout comme ce fût le cas dans les premières décennies et ceux-ci ne renoncent à aucun crime chaque fois qu'ils se jugent ou se voient capables de le faire.

Il se passe déjà 60 ans de l'occupation de la Palestine. Pendant cette période, tous les moyens de puissance matérielle ont été mis au service des Usurpateurs, que ce soit de l'argent, de l'arme et de la technologie, ou les efforts politiques et diplomatiques jusque l'énorme réseau d'empire médiatique et d'information. En dépit de cette grande tâche démoniaque et surprenante, les Usurpateurs et leurs protecteurs, non seulement, ils n'ont pas pu résoudre la problématique de la légitimité du régime sioniste, mais aussi celle-ci est devenue encore plus grave dans le temps. L'intolérance des medias occidentaux et sionistes et ceux des Etats protecteurs



contre le peuple et le gouvernement légitime palestiniens à Gaza. Ce régime usurpateur qui se montrait, pendant des décennies, horrible et invincible via son armée et son armement et avec l'appui militaire et politique des Etats-Unis, a essuyé à deux reprises une défaite face aux forces de la résistance qui faisaient la guerre en s'appuyant sur Dieu et le peuple plutôt que sur les armes et les équipements; En dépit des exercices et des entraînements militaires et malgré que ce régime bénéficie des organes sophistiqués de renseignement, des protections sans faille des Etats-Unis et de certains pays occidentaux et de la complicité des hypocrites du monde de l'islam, ce régime a dévoilé plus que jamais son chemin vers la dissolution et la chute, étant incapable vis-à-vis de la vague puissante du réveil islamique.

D'un autre côté, les crimes perpétrés par les criminels sionistes dans la tragédie historique de Gaza, le massacre d'envergure des civils, la destruction des foyers sans défense, la perforation des poitrines des nourrissons, le bombardement des écoles et des mosquées, l'usage des bombes au phosphore et d'autres armes interdites, la fermeture de points d'acheminement de nourritures, de médicaments, de carburants et d'autres premiers besoins du peuple durant à peu près deux ans ainsi que beaucoup d'autres crimes, ont démontré que la nature barbare et criminelle des dirigeants du faux Etat d'Israël n'a pas changé par rapport aux premières décennies du déclenchement de la catastrophe en Palestine et que la même nature atroce et sauvage qui a suscité les tragédies de Deir Yassin et de Sabara et Chtila, règne plus ouvertement aujourd'hui sur la mentalité et le cœur obscur de ces "Taqout" du temps; Et



Au nom de Dieu Clément et Miséricordieux

Chers invités, les oulémas, les penseurs, les hommes politiques et les moudjahids, je tiens à vous souhaiter la bienvenue en République Islamique d'Iran pour assister à la quatrième Conférence sur le soutien à la Palestine.

Durant la période qui a suivi la précédente Conférence tenue du 15 au 17 Rabi-ul-Awal 1427 de l'Hégire lunaire jusqu'à la présente Conférence à Téhéran, ont survécu des événements importants et déterminants qui ont éclairci de plus en plus la future perspective de la question palestinienne et qui mette en exergue nos obligations vis-à-vis de cette question toujours primordiale du monde de l'islam. Parmi ces événements importants, figurent la défaite militaire et politique surprenante d'Israël face à la résistance islamique dans la guerre de 33 jours du Liban en 1427 de l'Hégire lunaire et le revers humiliant du régime sioniste dans la guerre criminelle de 22 jours





Texte des propos tenus par

l'Ayatollah seyyed Ali Khamenei

Guide Suprême de la Révolution Islamique

Adressés à la quatrième Conférence Internationale du

**"Soutien à la Palestine symbole de la
résistance; Gaza victime des crimes"**



and Gaza which brought the Hamas government into office. Those who accept democracy so long as it results in achieving their aims are war-mongering adventurers. If they talk about peace, it is nothing but lies and deception.

The reconstruction of Gaza is one of the most urgent problems of Palestine. The Hamas government—which was elected by a decisive majority of the Palestinians and whose epical resistance, which saddled the Zionist regime with defeat, is the brightest page in Palestinian history of the last hundred years—should be at the centre of all reconstruction efforts. It will be appropriate for the Egyptian brothers to open the way for aid to move in and allow Muslim countries and nations to carry out their duty in this regard.

In conclusion, I honour the memory of the martyrs of the 22-day war. With their blood they made the Palestinian Gaza a matter of pride for Islam and Arabs. I implore God's mercy and forgiveness for them. In addition, I invoke His blessings for all the martyrs of Palestine, Lebanon, Iraq and Afghanistan and for all martyrs of Islam, as well as for the pure spirit of our magnificent leader, the late Imam Khomeini.

I beseech God, the Most High, to exalt the honour of Islam and Muslims, to bring Muslim nations closer to one another, and bring a daily increasing awakening to the Islamic world.

■ **May Peace and Allah's mercy
and His blessings be upon you.**



means: My sons have left me covered with blood, a custom that I know was laid down by Akhzam)

Offering a multi-faceted assistance to the people of Palestine and complete support is a joint duty of all Muslims. The governments which criticize the Islamic Republic of Iran and some other Muslim countries for assisting Palestine should come forward to bear the burden of such support so that others are relieved of this Islamic duty. But if they lack the ability and courage to do so, instead of criticism and causing hindrance, they should appreciate the dutiful and courageous steps taken by others.

Respected audience! You who are present at this conference are thinkers and specialists about the problem of Palestine. Today our historical duty is not to repeat the bland statements and torpid theories of the past, but to suggest approaches for liberating Palestine from the oppression of the Zionist regime. Our proposal is a solution which is in total agreement with democracy and can form a common logical basis. That proposal is that all those who have a legitimate stake in the territory of Palestine, including Muslims, Christians and Jews should choose their own system of government in a general referendum. All Palestinians who have borne for years the ordeals of exile should also participate in this referendum.

The Western world should know that non-acceptance of this solution will imply an absence of commitment to democracy, which it always claims to support. The failure to pass this test will further expose its double standards. Palestine was also the focus of an earlier test, when the West didn't want to accept the result of elections in the West bank

nals totally divorced from ethics and alien to conscience and human virtues. Yet, when these governments encounter public opinion in the form of a deep hatred, instead of noting its obvious cause, they again resort to political maneuvers, thus continuing the vicious circle.

Dear brothers and sisters throughout the Islamic world! Let us learn from experience.

Our great community, with the boon of the Islamic awakening, possesses tremendous power. The key to the solution of many of the problems of the Muslim countries lies in the resoluteness and solidarity of this wonderful galaxy. The question of Palestine is the most urgent problem of the Islamic world.

At times some people are heard to say that Palestine is an Arab problem. What does that mean? If it means that there is a stronger feeling of consanguinity among the Arabs, who are willing to offer Palestine a greater service and do more struggle for its sake, that is something desirable and we welcome it. But if it means that the heads of some Arab countries should refuse to pay any heed to the cries of help of the Palestinian people which are addressed to all Muslims, if it means that they may collaborate with the ruthless usurper enemy in such an important case as the tragedy of Gaza while loudly condemning others who cannot remain indifferent to their call of duty to help Gaza—then no proud and conscientious Muslim or Arab will accept it, nor spare the speaker of disapproval and reproach. It is the same as the logic of Akhzam, who used to beat his father and chide others for interfering. After him, his son would assault the grandfather with his fists. The fable is the source of an Arabic proverb. (Which



This is the first step to be taken. The political and military leaders of the usurper regime should be brought to trial. If criminals are punished, the room for criminal acts by those who possess the motives and madness to commit them will be restricted. Impunity for perpetrators of great crimes is itself a cause and incentive for further crimes.

If after the 33-day Lebanon war, the Muslim world community had earnestly demanded the punishment of Zionists leaders responsible for the terrible atrocities committed during this war, had this legitimate demand been made following the massacres of wedding processions in Afghanistan, after the atrocities committed by Blackwater mercenaries in Iraq, and following the Abu Ghuraib scandal and other cases involving U. S. soldiers, we would not have witnessed another Karbalain in Gaza.

In these cases, we, Muslim states and nations, have not acted in accordance with our duty as dictated by the laws of justice and reason. Its consequence is what we are witnessing today.

It is a matter of deep regret that some governments and world politicians are totally alien to moral values and judgments of human conscience. They are insensitive to the 22-day long genocide in Gaza in which 1350 people were killed and about 5500 civilians were wounded, many of them children. The murderers and criminals are not only not punished, but are even rewarded. The security of the blood-thirsty regime is considered sanctity to be defended at all cost, and the victims, whether it is a government elected by a decisive popular vote or the people who have elected it to office, are accused and condemned. Such is the judgment of political tribu-

to the global arrogance and Zionism, will rally to the assistance of the victims and those who have been denied their rights, forcing imperialism to confront a storm of thoughts, emotions and actions.

We have seen an example of this truth in recent days during the magnificent resistance of Gaza. The sobs in front of the news cameras of a Western chief of one of the international aid organizations, expressions of sympathy by activists belonging to humanitarian organizations, the large and impassioned public demonstrations in the heart of European capitals and American cities, the bold moves made by the heads of several states in Latin America—all these are signs that the non-Muslim world has not yet been fully subjugated by forces of evil and corruption—called 'Satan' in the nomenclature of the Quran—and that the ground is still open for truth to manifest itself.

Yes, the resistance and fortitude of the Palestinian combatants and people, together with all-round support and assistance from all Islamic countries, will break the satanic spell of the usurpation of Palestine. The prodigious energies of the Islamic Ummah can solve the problems of the Islamic world, including the urgent and acute issue of Palestine.

Muslim brothers and sisters throughout the world, my message now is addressed to you as well as to all persons with an alert conscience, irrespective of country and creed. Make an effort, and break the spell of impunity for the Zionist criminals. Bring to trial the political and military heads of the usurper regime who have had a role in bringing about the Gaza tragedy, and mete out to them the punishment laid down by reason and justice.



atrocities committed by that regime. Even when the General Assembly voted branding Zionism as a racist ideology, the Security Council not only did not go along but also maintained practically a diametrically opposite stand. The oppressive world powers, which enjoy permanent membership in the Security Council, use this world body as an instrument. As a result, the Security Council not only does not help the cause of world security, but also rallies to the assistance of these powers whenever they deploy notions such as human rights, democracy and the like as pretexts to further their greed and domination, drawing a curtain of deception and lies over their illegitimate actions.

The deliverance of Palestine cannot be obtained through begging from the United Nations or the dominating powers, and more so from the usurper regime. The sole path of its deliverance is through resistance and fortitude, through the unity of purpose of the Palestinians and the word of God's oneness (Tawhid), which is the inexhaustible resource for human struggle.

The pillars of this resistance, on one side, are the combatant Palestinian groups and each and every one of the faithful and resistant Palestinians, those who are within that country as well as those who are abroad.

From another side, the pillars are the world's Muslim nations and governments, religious scholars, intellectuals, political figures and academicians. If these two pillars remain firmly in their place, there is no doubt that in every part of the world, awakened consciences, hearts and minds which have not been spoiled by the spells of the news media empire belonging

Had the Intifada not occurred, the Zionists would not have given them even this little, despite the successive compromises made by the conventional Palestinian leaders.

Or shall it be negotiations with the United States and Britain, who are guilty of the biggest sin in creating and sustaining this cancerous tumor, and who moreover, are one of the parties to the dispute and not arbiters.

The United States government has never ceased its unconditional support for the Zionist regime and its flagrant crimes, such as those committed during the recent events in Gaza.

Even the new American president, who came to office with the slogan of bringing change in the policies of the Bush Administration, avows unconditional commitment to Israel's security, which means defending state terrorism, defending injustice and oppression, and defending a 22-day-long massacre of hundreds of Palestinian men, women and children. It is a policy which amounts to the same crooked ways of the Bush administration and nothing else.

Negotiations with bodies associated with the United Nations are another exercise in futility. The United Nations has perhaps confronted few tests such as the problem of Palestine, wherein it has been exposed and earned a bad name. It was a day when the Security Council promptly and officially recognized the occupation of Palestine by acquisitive terrorist groups and played a basic role in the birth and continuation of this historic injustice.

After that, for several decades, it maintained a satisfied silence with regard to the cases of genocide, expulsion of refugees, war crimes and various

cannot Palestine, which is part of the body of the Islamic world, reclaim its Islamic and Arab identity? Why cannot the Palestinian youths, who are among the most astute and resistant of Arab youth, overcome this unjust reality by their will and resolution? Another big fallacy is to say that negotiation is the only means of deliverance for the Palestinian nation. With whom are these negotiations to be held? With a usurper, misguided and bullying regime which does not believe in anything except force? What have those who have been captivated with this game and delusion achieved?

Firstly, what they obtained from the Zionists in the form of the Palestinian Authority—its humiliating and disgraceful character aside—was at the enormous cost of having to recognize the ownership of the usurper regime over nearly the entire Palestine.

Secondly, even that partial and fake authority was at times trampled underfoot by the Zionists under empty excuses. The siege of Yasser Arafat in his administrative building in Ramallah and numerous forms of humiliation he was made to suffer are not events that can be forgotten.

Thirdly, during Arafat's days and, especially, after him, they have treated the officials of the autonomous Authority as police-station chiefs whose duty was to prosecute and arrest Palestinian combatants and to keep them under intelligence and police surveillance, thus spreading seeds of enmity among Palestinian groups and prompting them to wage war against one another.

Fourthly, even that puny achievement was the fruit of the struggle of Palestinian combatants and resistance of its proud men and indomitable women.

the people from one another, ruin would have befallen the monasteries, churches, synagogues and mosques in which Allah's Name is mentioned greatly. Allah will surely help those who help Him. Indeed Allah is all-strong, all-mighty." (22:39-40)

And when He, the Most High, says:

"Indeed Allah does not break His promise." (3:9)

"Allah shall never break His promise." (22:47)

"[This is] a promise of Allah: Allah does not break His promise, but most people do not know." (30:6)

"So do not suppose that Allah will break His promise to His apostles. Indeed Allah is all-mighty, avenger." (14:47)

And what promise can be more categorical than this promise of God,

"Allah has promised those of you who have faith and do righteous deeds that He will surely make them successors in the earth, just as He made those who were before them successors, and He will surely establish for them their religion which He has approved for them, and that He will surely change their state to security after their fear, while they worship Me, not ascribing any partners to Me. And whoever is ungrateful after that—it is they who are the transgressors." (24:55)

A big fallacy which has taken control of the minds of some persons concerning the problem of Palestine is that a country named Israel is a 60-year old reality with which one has to reconcile. I do not know why these people do not learn from other realities that are in front of their eyes. Is it not a fact that the countries of the Balkans, Caucasus, and Southwest Asia reclaimed their identity after 80 years of loss, and after being parts of the former Soviet Union? Why

The image of the Zionist regime in world opinion today is much worse than it has ever been during its black history, and more serious questions are being raised concerning the rationale of its creation.

The spontaneous and unprecedented world-wide protests against this regime and in support of the Islamic resistance in Gaza and Lebanon during the 33-day war, which extended from the Far East to Latin America, and demonstrations in 120 countries including Europe and Britain, the breeding ground of this evil tree, reveal the emergence of a world-wide resistance against Zionism that has never been so serious and extensive in the last 60 years. It may be said that the Islamic resistance in Lebanon and Palestine has succeeded in awakening the world's conscience.

This is a big lesson, for both the Muslim Ummah and its enemies.

It is a lesson for the enemies, who tried to create a fake and counterfeit nation and state by resorting to force and repression, and to convert it in course of time into an undeniable reality, and to make such an unjust imposition something normal for the Islamic world.

It is also a lesson for the Muslim community, especially the proud youth and their alert conscience, so that they may know that any struggle waged for the restoration of usurped rights is never in vain, and that God's promise is indeed true when He, the Most High, declares (in the Qur'an):

"Those who are fought against are permitted [to fight] because they have been wronged, and Allah is indeed able to help them. —Those who were expelled from their homes unjustly, only because they said, 'Allah is our Lord.' Had not Allah repulsed

By now those who advocated a “pragmatic” approach under the illusion of the invincibility of the Zionist regime, and who succumbed to surrender and compromise with the usurpers, should have realized their mistake, as well as those who entertained hopes of peaceful coexistence with the Zionists, wrongly believing the second and third generation of Zionist politicians to be free from the criminal impulses of the first. Firstly, the false image of invincibility was shattered by the wave of Islamic awakening and maturing of the erstwhile sapling of Islamic resistance. The signs of the usurper regime’s weakness and despondency have become fully visible. Secondly, the aggressive character of the ringleaders of that regime and their unscrupulousness in committing atrocities remain unchanged since the early decades. They are not averse to committing any atrocity whatsoever and whenever they think they can do it.

Now 60 years have passed since the occupation of Palestine. During this period all material means of power have been in the service of the usurpers, including money, weapons and technology, as well as political and diplomatic initiatives and the giant empire of news media and networks. Yet despite these staggering and far-reaching satanic efforts, the usurpers and their supporters have not only failed to solve the problem of the Zionist regime’s illegitimacy, but it has grown more complicated with time.

The intolerance shown by the Western and Zionist media and pro-Zionist governments toward even the mere posing of any question concerning the Holocaust—which served as an excuse for the usurpation of Palestine—and research on the topic, is one of the signs of this nervousness and uncertainty.

Now this usurper regime—which with its army and weapons backed by the U.S. military and political support flaunted a fearsome and undefeatable facade during the last several decades—has twice been forced to suffer defeat by the forces of resistance fighting with trust in God and the people, rather than reliance on arms and equipment.

Notwithstanding its military exercises, preparations, and far-reaching intelligence outfits, as well as the unsparing support of the United States and some Western governments, along with the collaboration of some hypocrites in the Muslim world, the Zionist regime is faced with incompetence, a steep downfall and dissolution before the powerful wave of Islamic awakening.

On the other hand, the crimes committed by the Zionist criminals during the historic events of Gaza—the genocide of civilians, the destruction of defenceless homes, the impaling of infants, the bombing of schools and mosques, the use of phosphorous bombs and other outlawed weapons; all this following an almost two-year blockade on supplies of food, medicine, fuel and other essentials of life for the people, and numerous other crimes—proved that the savage and criminal instincts of the leaders of the fake Zionist state have not changed in the least since the early decades of the disaster in Palestine. Exactly the same policies and predatory and ruthless motives which created such tragedies as those of Deir Yasin, Sabra and Shatila still rule the dark minds and hearts of the contemporary tyrants. Of course, the magnitude of such atrocities and their disastrous consequences have been amplified by the advances in technology.

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

I welcome you, honoured guests—scholars, thinkers, statesman, and combatants—who have come to the Islamic Republic of Iran to participate in the Fourth Conference for Support of Palestine.

Important and crucial developments have occurred between this and the last meeting held in Tehran during 15-17 Rabi al-Awwal, 1427 H. (April 14-16, 2006). These developments have brightened the future prospects of the issue of Palestine and made clearer our duties concerning this fundamental problem of the Islamic world.

Among these important developments were the amazing military and political defeats inflicted by the Islamic resistance in Lebanon on Israel during the 33-day war in 1427 H. (2006), and the humiliating failure of the Zionist regime in the 22-day long criminal war against the people of Gaza and the legal government of Palestine.







Inaugural Address of the Supreme Leader

Ayatullah al-Uzma

Sayyid Ali Khamenei

To the Fourth International Conference for

**Support of Palestine,
the Model of Resistance,
and Ghaza,
the Victim of War Crimes**

 Tehran, 6th, Rabi'ul-awwal, 1430 
March 4-6, 2009



In the Name of Allah

مَن بِلَايَتِ مَن مَن مَن مَن مَن
حَضَرَتِ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ
وَأَمَّا اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ
حَايَتِ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ اَیْمَنُ

مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن
آيَةُ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ السَّيِّدِ عَلِيٍّ الْحَاشَنِي
مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن
مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن

مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن مَن

Address of
Ayatullah Sayyid Ali Khamenei
the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran
to the
4th International
QUDS Conference
Palestine, the Model of Resistance
Gaza, the Victim of War Crimes

Tenue du Discours du Guide Suprême
Honorable Ayatollah Khamenei
à la Troisième Conférence Internationale d'
AL - QUDS
Palestine symbole de la résistance.
Gaza victime des crimes.

TEHRAN - 4 MARCH, 2009

